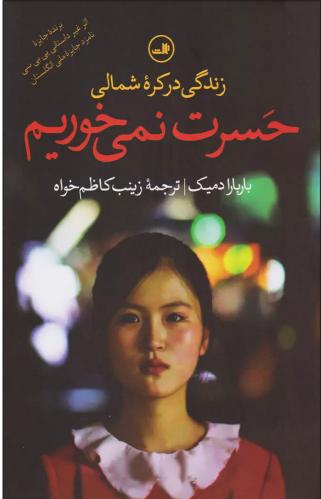
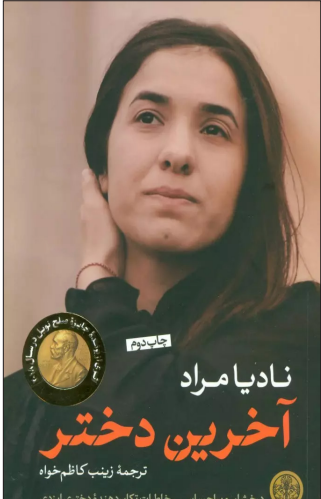
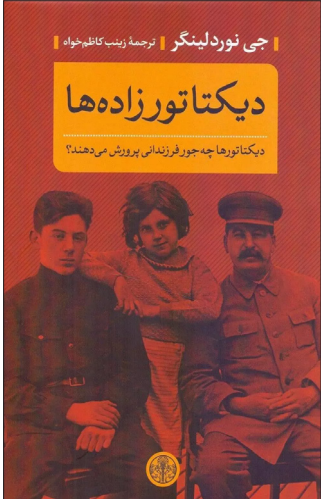
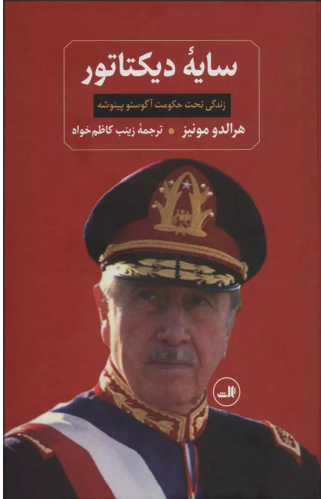




سایه‌های ترس

«**گفت‌وگو با زینب کاظم‌خواه، مترجم کتاب «آخرین شب دیکتاتور» که به واپسین روزهای زندگی معمر قذافی می‌پردازد**

۱) یاسمینا خضراء اسم

مستعار محمد مولسهول است و اهل کشور الجزایر. در بعضی کتاب‌هایش هم به مشکلات الجزایر می‌پردازد؛ مشکلاتی نظیر جنگ الجزایر. در بعضی آثارش هم سراغ مشکلات منطقه رفته؛ مثل کتابی که درباره شرایط طالبان در اواخر دهه نود نوشته. همین کتاب «آخرین شب دیکتاتور» را هم از آخرین روز قذافی شروع می‌کند؛ زمانی که سقوط قذافی مسجل شده و در حال فرار است

۲) اکثر کتاب‌هایی که ترجمه کرده‌اید به دیکتاتورها معطوف است. چرا؟ چه شد

سراغ ترجمه این نوع آثار رفتید؟

راستش اتفاقی بود. شاید هم چون در جست وجوهایم کلیدواژه‌هایی نظیر دیکتاتورها را دنبال می‌کردم، به این نوع کتاب‌ها رسیدم. ولی این جریان تا حدودی هم برمی‌گردد به کتاب اولی که ترجمه کردم، چون اولین کتاب به نوعی ادامه مسیر را روشن تر کند.

۳) اولین ترجمه تان کدام کتاب بود؟ چه سالی؟

«حسرت نمی‌خوریم» بود که هم زمان با این کتاب، «هزاران فرسنگ تا آزادی» هم منتشر شد. هر دو کتاب هم مربوط به کره شمالی بود که همزمان در سال ۱۳۹۶ منتشر شد.

۴) هر دو کتاب هم اگر اشتباه نکنم توسط نشر «ثالث» منتشر شد؟

بله، هر دو کتاب را «ثالث» منتشر کرد و هر دو هم مربوط به آدم‌هایی بود که تحت سیطره دیکتاتوری زندگی می‌کردند و توانسته بودند از کره شمالی فرار کنند. راوی در «هزاران فرسنگ تا آزادی» خود فردی بود که فرار کرده اما «حسرت نمی‌خوریم»، پژوهش‌هایی بود که یکی از روزنامه‌نگاران درباره زندگی در کره شمالی انجام داده بود و با تعدادی از بناهندگانی که از کره شمالی فرار کرده بودند مصاحبه کرده و براساس روایات آن‌ها یک مستند داستانی بسیار خوب نوشت که توانست جایزه «پولیتزر» را هم بگیرد.

۵) هر دو کتاب هم یادم است خیلی با استقبال مخاطبان مواجه شد. درست است؟

بله، برای خودم هم عجیب بود و چندین بار تجدید چاپ شد.

۶) هر کدام شان چاپ چندم هستند؟

دقیق نمی‌دانم. ولی حدودی اگر بخواهیم بگویم «هزاران فرسنگ»، چاپ دوازدهم یا سیزدهم است و «حسرت نمی‌خوریم»، چاپ هشتم یا نهم.

۷) بین کتاب‌های تان البته موضوع یکی کمی از آن‌ها متمایز از مابقی است: ماجرای ادری هیپیون و جنگ جهانی دوم. کتاب درباره چیست؟

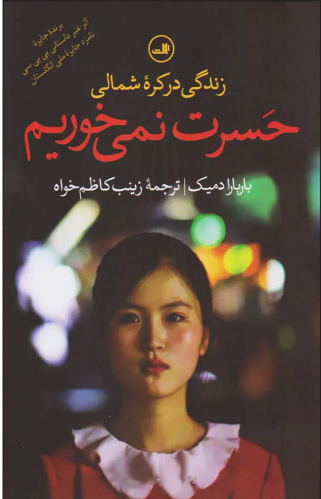
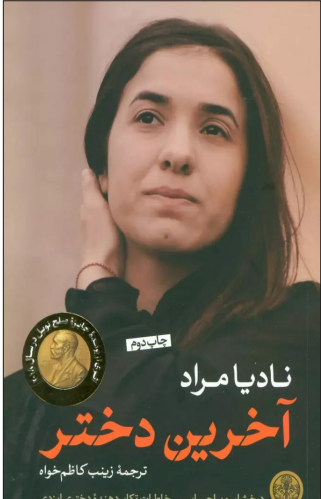
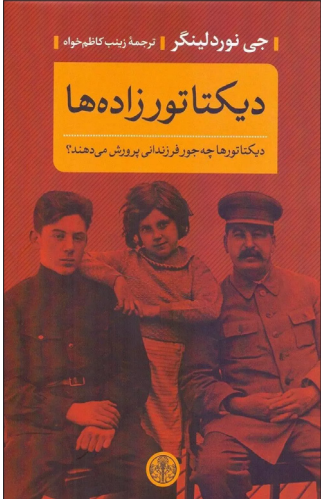
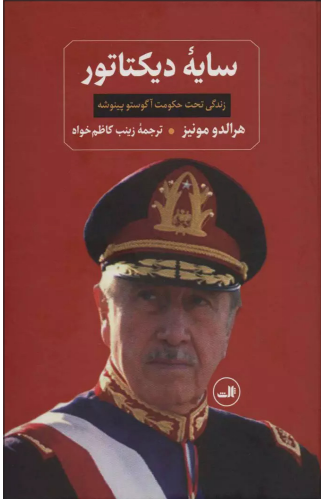
وجهی از زندگی ادری هیپیون را روایت می‌کند که شاید خیلی‌ها نشنیده باشند. ماجرا برمی‌گردد به اشغال دهکده آنژهم هلند توسط نازی‌ها که ادری هیپیون همراه مادرش در آنجا زندگی می‌کرد. روزی که آلمان به هلند حمله می‌کند، ادری هیپیون در اتاقش خواب بود او با صدای انفجار و شلیک‌ها متوجه می‌شود آلمان‌ها حمله کرده‌اند و جریان شروع می‌شود. البته درست است که کتاب درباره جنگ است اما زندگی تحت حکومت نازی‌ها در دوره اشغال هلند را روایت می‌کند؛ ماجرای قحطی شهر و مادری که به شدت طرفدار نازی‌هاست.

مدل توافق لیبی چه بود؟

کمتر از دو هفته پیش بود که بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، بعد از نشست با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، برای دومین بار توافق مدل لیبی را مدل مناسب توافق با ایران توصیف کرد. به جز نتانیاهو، پیش از آن، تام کاتن سناتور آمریکایی نیز گفته بود که مدل مورد نظر توافق با ایران از منظر ترامپ، مدل لیبی است. اظهاراتی که البته با واکنش سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه دولت چهاردهم مواجه شد و گفت: «مگر در خواب ببینند».

توافق ۲۰۰۳

اما توافق با لیبی به توافق سال ۲۰۰۳ لیبی با آمریکا (و همچنین بریتانیا) اشاره دارد. لیبی در سال‌های دهه ۱۹۷۰ برنامه هسته‌ای خود را آغاز کرد و در سال ۱۹۹۲ نیز شورای امنیت سازمان ملل، به دلیل برنامه‌های هسته‌ای و



کتابی که سخت و پیچیده نباشد یا پر از نظریات فلسفی و تئوری پردازی. در واقع می‌خواستم کتاب‌هایی را برای ترجمه دست بگیرم که هر کسی بتواند آن‌ها را بخواند. «مصائب آشپزی» هم از این دست کتاب‌هاست. کتابی بسیار خواندنی هم هست چون از زاویه‌ای بکر و تازه، سراغ زندگی دیکتاتورها رفته.

۱) چه زاویه‌ای؟

آشپزخانه!

۲) چطور؟

ماجرای کتاب به آشپزها و غذاهای دیکتاتورها برمی‌گردد. کسی هم واقعا از این زاویه سراغ زندگی دیکتاتورها نرفته بود؛ مثلاً اینکه صدام به چه غذاهایی علاقه داشته یا رابطه‌اش با آشپزهایش چطور بوده. جالب است بدانید که اکثر دیکتاتورها روابط خیلی خوبی با آشپزهای‌شان داشتند؛ غیر از عبدی امین (دیکتاتور اوگاندا) که با رانویا و دیوانگی‌های عجیب و غریب در تمام وجوه زندگی‌اش داشت. در مجموع می‌خواهم بگویم «مصائب آشپزی برای دیکتاتورها» بررسی زندگی دیکتاتورها از وجه دیگری بود که کمتر درباره آن نوشته بودند.

۳) یکی از ترجمه‌های تان هم درباره ادعش بود؛ «آخرین دختر» نوشته نادیا مراد.

چقدر هم ترجمه‌هایش به فارسی زیاد است! فکر کنم پنج شش ترجمه فارسی در بازار از این کتاب موجود باشد!

این کتاب اتفاقاً جزء معدود کتاب‌هایی است که خودم انتخابش نکردم. پیشنهاد ناشر بود و خیلی هم سریع ترجمه کردم. یعنی فکر کنم حدود ۲ روز ترجمه‌اش بیشتر طول نکشید تا اولین کتاب باشد که به بازار می‌آید. ولی آن زمان مشکلی برای نشر «پارسه» به وجود آمده بود که حدود سه ماه نتوانستند کتابی چاپ کنند و به خاطر همین ترجمه من، جزء سومین چهارمین ترجمه‌هایی بود که منتشر شد، والا من خیلی سریع ترجمه کرده بودم و اگر آن مشکل به وجود نمی‌آمد شاید اولین ترجمه بازار می‌شد. اما اگر الان چنین پیشنهادی به من بدهند قبول نمی‌کنم چون واقعا علاقه‌ای به حضور در این نوع ماراتن‌های ترجمه ندارم؛ اینکه یک کتابی منتشر و ویرال می‌شود و کلی مترجم می‌دوند برای ترجمه و حالا باید دنبال این باشیم کدام یکی زودتر کتابش در ایران چاپ می‌شود... در کل علاقه‌ای به کار در این فضا ندارم. غیر از همین کتاب «آخرین دختر» که پیشنهاد ناشر بود، مابقی ترجمه‌هایم این‌طور نبوده. سعی ام هم بر این است که بعد از این هم وارد چنین رویه‌هایی نشوم. چون کمترین آسیبش این است که از دقت ترجمه کم می‌شود.

۴) بریم سراغ کتاب «آخرین شب دیکتاتور». چرا قذافی؟

من قبل از این کتاب هم سراغ این نوع چهره‌ها رفته بودم؛ مثل کتاب «سایه دیکتاتور» که درباره پینوشه بود. اما نکته اینجا است که «آخرین شب دیکتاتور» برعکس تمام کتاب‌های تاریخی که ترجمه کرده‌ام، ناداستان نیست بلکه رمان است.

۵) کمی درباره نویسنده‌اش می‌گویید؟

یاسمینا خضراء اسم مستعار محمد مولسهول است و اهل کشور الجزایر. در بعضی کتاب‌هایش هم به مشکلات الجزایر می‌پردازد؛ مشکلاتی نظیر جنگ الجزایر. در بعضی آثارش هم سراغ مشکلات منطقه رفته؛ مثل کتابی که درباره شرایط طالبان در اواخر دهه نود نوشته. همین کتاب «آخرین شب دیکتاتور» را هم از آخرین روز قذافی شروع می‌کند؛ زمانی که سقوط قذافی مسجل شده و در حال فرار است. یعنی تمام شورش‌ها و آشوب‌ها را کنار گذاشته و سراغ روزها و ساعات پایانی زندگی قذافی رفته. جالب اینجا است رمان هم از زبان قذافی روایت می‌شود. در واقع اینکه یک دیکتاتور قصه را روایت می‌کند، می‌تواند وجوه مختلف شخصیتی‌اش را هم نشان بدهد؛ نگاه چنین آدمی به خودش و کیش شخصیتی که به آن دچار است. در واقع راوی به غیر از این اگر بود، شاید خیلی با قذافی آشنایی شدید و ابعاد شخصیتی‌اش خیلی جای بروز پیدا نمی‌کرد. قذافی در این رمان روایت می‌کند که چه شد که کارش به اینجا کشید. از این جهت روایت را از نقطه خوبی شروع می‌کند و به نظر رمانی خواندنی است. ولی من خودم خیلی علاقه منده به ترجمه رمان نیستم.

۶) چرا؟

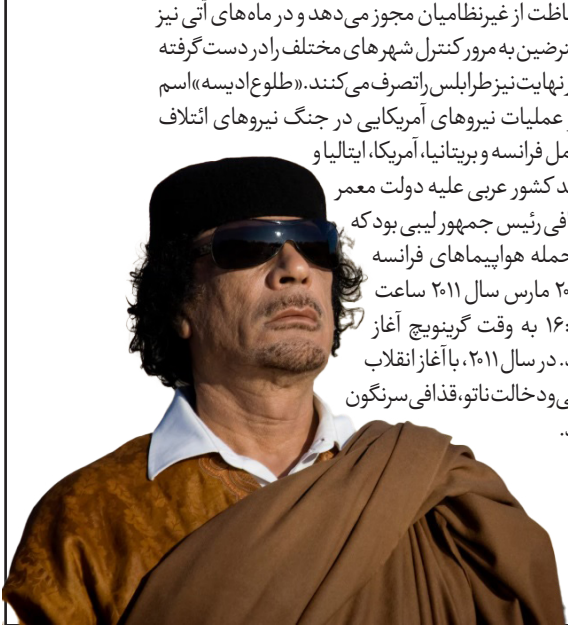
رمان واقعا دشا و تر است؛ به ویژه یاسمینا خضرا، نثری پیچیده و ظریف و پر از توصیف داشت. برای همین ترجیح این است در همان مسیری که شروع کرده‌ام ادامه بدهم. در واقع این‌طور نباشد که یک بار رمان ترجمه کنم، یک بار کار تاریخی، یک بار کتابی از نوع دیگر. دوست دارم همان مسیری را دنبال کنم که از ابتدا شروع کردم.

کشورهای ناتو بیشتر عادی شد و تحریم‌ها علیه این کشور در ازای خلع سلاح هسته‌ای کاهش یافت. یک سال بعد از اعلام این موضوع و برقراری مذاکراتی در این زمینه، در سال ۲۰۰۴ بازرسی‌های بین‌المللی از سایت‌های هسته‌ای و موشکی لیبی توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آغاز شد و در سال ۲۰۰۶ لیبی به‌طور رسمی به‌عنوان شریک بالقوه در برنامه‌های انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز مطرح می‌شود و مذاکراتی با کشورهای غربی برای توسعه همکاری‌های هسته‌ای را آغاز می‌کند. حدود سه سال بعد قذافی با ابراز ناراضیاتی از وضعیت لغو تحریم‌ها علیه لیبی می‌گوید: «آمریکا باید به تعهداتش عمل کند!»

بهار عربی

در همین فضا در سال ۲۰۱۱ سایه بهار عربی بر حکومت دیکتاتوری لیبی نیز می‌افتد. چند ماه بعد شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه ۱۹۷۳ را تصویب می‌کند و به ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز لیبی و استفاده از نیروی نظامی برای

حفاظت از غیرنظامیان مجوز می‌دهد و در ماه‌های آتی نیز معترضین به مرور کنترل شهرهای مختلف را در دست گرفته و در نهایت نیز طرابلس را تصرف می‌کنند. «طلوع ادیسه» اسم رمز عملیات نیروهای آمریکایی در جنگ نیروهای ائتلاف شامل فرانسه و بریتانیا، آمریکا، ایتالیا و چند کشور عربی علیه دولت معمر قذافی رئیس‌جمهور لیبی بود که با حمله هواپیماهای فرانسه در ۲۰ مارس سال ۲۰۱۱ ساعت ۱۶:۴۵ به وقت گرینویچ آغاز شد. در سال ۲۰۱۱، با آغاز انقلاب لیبی و خالت ناتو، قذافی سرنگون شد.



چرا آمریکا پایبند نیست؟!

پس از حملات ۱۱ سپتامبر، روابط تیره بین لیبی و